

# نامه آقا محمد خان قاجار

به میرزا ابوالقاسم قمی

از : استاد ابراهیم دهگان

این سند تاریخی را که حضرت استادی آقای ابراهیم دهگان از روی لطف برای درج در مجله بررسی های تاریخی فرستاده اند گویای واقعه ایست که در هیچیک از تاریخهای دوره قاجاریه نیافته ایم. بنا بر این چاپ این سند نکاتی از تاریخ دوره آقا محمدخان بنیاد گذار سلسله قاجار روشن میسازد. البته میبایستی این نامه نیز بادیگر نامه های تاریخی که در این شماره درج شده است به چاپ میرسید، ولی چون هنگامی به دست ما رسید که مبحث نامه های تاریخی بسته شده بود، و از طرفی اهمیت مطالب نامه ایجاب مینمود که درج آن به شماره بعد موکول نشود، ناگزیر در اینجا به چاپ آن مبادرت می ورزیم. درخاتمه بر خود واجب می بینیم از لطف حضرت استادی سپاسگراری کنیم.

بررسی ای تاریخی

مقدمه:

مجموعه ای مشتمل بر یکصد نامه یا چیزی بیشتر در اختیار نگارنده است که از مرقات رونوشت برداشته شده و یکی از آنها نامه ایست که اینک از نظر خوانندگان میگذرد.

در راه توضیح این نامه متذکر است که اولاً نامه مورد بحث اگر چه تمام شده است ولی گویا مستدر کی هم داشته است که فعلاً ملحق بنامه نیست زیرا در آخر نامه بعد از عبارت «والسلام علی تابع الهدی»، عبارت «در ضمن» هم باقی است.

ثانیاً - این نامه از طرف آقامحمدخان قاجار در پاسخ نامه میرزا ابوالقاسم قمی نوشته شده که مصرح در متن نامه است.

ثالثاً - نامه مورد بحث در باره مصطفی قلی خان است که یکی از هشت برادر آقامحمدخان بوده که با پادشاهی آقامحمدخان مخالفت میکرده است و سرانجام

گرفتار و بدست دژخیمان کور شده است. و او را بقم فرستاده‌اند و بقول نویسنده نامه که گویا حاجی ابراهیم خان باشد مأمور گردیده است که در آنجا بعبادت مشغول و «آخرت خود را معمور دارد».

رایعاً - نامه مزبور اگرچه فاقد تاریخ است ولی جمله «هزار و دوست سال از رحلت احمدی گذشته» که در متن نامه نوشته شده اشاره به سال رحلت حضرت محمد است که در سال دهم هجری روی داد بنا بر این تاریخ نامه ۱۲۱۰ می‌شود و بعلاوه در این نامه اشاره‌ای بجهاد با کفار رفته است<sup>۱</sup> که مراد از آن همان جنگ گرجستان بسال ۱۲۱۰ قمری بوده است .  
و اینک متن نامه :

### بسم الله الرحمن الرحيم

وجود مسعود عالی جناب قدسی القاب شرایع و حقایق نصاب وافادت و افاضت انتساب مؤسس قوانین الفروع والاصول مرسم معالم المنقول والمعقول حاوی الاصلین جامع الفرعین مرجع المغارب و المشارق صآنه اله تعالی عن البوائق والطوارق ، علامت العلماء ، الافاخم ابوالفضائل والمفاخم میرزا ابوالقاسم ابقاه اله محفوظا و وایمانا ببقائه ولقائه از نوائب و مآرب محطوط و محفوظ ، بر رأی صواب نمایش مکشوف و مشهود باد که سعادت نامه گرامی واصل و از فحای محبت مطاوی میتهج سواد از شوارق خاطر ارادت نائل گشت و چندانکه ضمیر منیر بتلاقی آنجناب شائق افتاد که اگر نهضت مرکب جهانکشا بهمسالك غزا و جهاد ، در پیش نبود بمقتضای اشواق خساطر محبت اندیش بدریافت صحبت آنجناب عزیمت اشرف غزا تصمیم مییافت .

اشعاری ، که مقتضی مطالب که سابقاً اظهار شده بود ، نموده بودند از آن جمله یکی امر مصطفی قلی خان که هفت سال پی سپر خلاف ما گشت و بتوهمی

۱ - عین عبارت نامه چنین است: «... در این اوقات که از منهب کفر و طفیان نکبایی و عناد بر ساحت حوزه اسلام است...»

باطل باعث خرابی ولایت و تضییع نفوس و سفک دماء مسلمانان و آنهمه رنج از مخالفت او بردیم چگونه او را نیاز داریم نفس موسوی باقوت نبوت از پی عفو گوسفندی که برخلاف رای آنجناب گامی چند برداشت مستحق چندان جزا شد. هر که بامارنج کند البته جزائی درخور آن خواهیم داشت، و از این گذشته نیز بر حسب تمنای آنجناب او را بی کفاف معاش نخواهیم گذاشت؛ اینکه نوشته بودید عزیز بود دلیل گشت یمزمن یشاء و یدل من یشاء چه عزت و کدام ذلت؟ از این بیش تظاهر عزتی باتشویش داشت و حال راحتی می ذلت و عزم قائل و ما ارسلنا فی قریه من نبی الاخذنا اهلها بالاساءة والضراء لعلمهم یتضرعون زهی سعادت که او را اکنون عبادتی باضراعت مقدور است و عزتی باقناعت میسور.

خصوصاً آفات مزروعات قم شرحی داده بودند و زبان خامه را بنوائی تأسف و ادای تأثری زیاد گشاده از این سانحه خود بوضوح پیوست که ما ظلمناهم و لکن كانوا انفسهم یظلمون در این سال که بتکلیف آنجناب در تکالیف دیوانی اهالی قم تخفیفی رفته است عوارض سمائی پدید آمد که بکوشش و تدبیر تغییر تقدیر نمیتوان داد ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یغیر و اما بانفسهم و این قاعده در بعضی دیگر از ممالک و امصار مانند تبریز و امثال آن جاری است و گرنه پیشهاد خاطر شهر یاری جز ترفیه عباد و تعمیر بلاد و آرامش عالم و آسایش امم نبوده و نیست و لو ان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض و لکن کذبوا فاخذناهم بما كانوا یکسبون وجود ما سایه وجود مطلق و قدرت ما مستهلك در قدرت حق طلب آسایش خود در پناه سایه با مخالفت از شخص، صورت نخواهد بست هر آنکه در سایه کرد کار رفاه و آسایش حال خود در پناه بنانه جوید از طلب رضای خداوند جهان ناگزیر است. یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام. اینکه ما را در رسمهای سلطنت و فرمانفرمائی بتبع سلاطین قبل از بعثت اشارت کرده بودند... هر دوری هر بی طور نیست و هر ملتی مقتضی دولت لو شاء ربك لجعل الناس امة واحدة و لا یزالون مختلفون. در این اختلاف حکم و دقائق بی حساب است و الیذ کر و الوالایاب ما را با سلاطین ملل دیگر نسنجید و اگر بمصلحتی وقتی عدلی جور نماید در نچند عسی ان تکر هو

شیئا و هو خیر لکم. مصادقت ملت احمدی و سلاطین اسلام محمدی کافی است و همین مصلحت را که مستلزم چندین حکمت است بر جورهای عدلنمای پادشاهان کفر که اثر آن جز رفاه نفوس اماره و رفع موانع شهوات غافلین نیست مزیتی واقعی دارد، هزار و دو بیست سال از رحلت احمدی گذشته و هر قرنی قرین دولتی گشته است. و جل من قال، ثم اورثنا الكتاب الذیل اصطفناهم من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه ومنهم سابق بالخیرات. اگر در پیرو این ملت غری یکی از سلاطین سابق را بر ما سابق یابند و محبت نمایند روا است والحمد لله الذی فضلنا علی کثر من عباده المؤمنین و اوتینا من کل شیئی ان هذا هو الفضل المبین. از آنجناب باقتضای کمال محبت و التفات گاه و بیگاه [که] باشارات ناصحانه و تکلیفات مشفقانه خاطر ما را خوشحال داشته ترغیب بر تخفیف حقوق رعایا و امثاله مینماید بمقادیر من جاء بالحسنه فله عشر امثالها در این اوقات که از منهب کفر و طغیان نکبای بقی و عناد بر ساحت حوزه اسلام است... در اهتزاز است و به مقالید اجتهاد در مسالک و جهاد و ابواب نیل سعادت بر عارض مسلمین باز است ما نیز آنجناب را از روی کمال ارادت بفوز این سعادت تکلیف مینمائیم و مامول ماهمه آنست که این مسئول بغایت مقبول افتد و نیز اگر تکالیف آنجناب بر ما گذشتن از حقوق سلطانی است که اگر از رعایا بازیافت شود صرف مواجب غازیان و مجاهدین و تهیه و تدارک اسباب احتشام اسلام خواهد شد و در پذیرفتن این تکالیف اگر ثوابی باشد در مجرد قول آنجناب خواهد شد و گرنه گرفتن وجوه دیوانی را خصوصاً در این اوقات عقابی نیست و از گذشتن آن بنفسه ثوابی نه، و اقدام آنجناب در مسلك غزا قطع نظر از تکلیف مستلزم اعظم مشوبات و اجل حسنات خواهد بود. والذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عند الله و اولئک هم الفائزون، و اگر آن جناب قعود از جهاد را بمعاذیر شرعی آرند از تحریک اصحاب و طالبین ثواب و تکلیف علماء و مقلدین دین مبین که زیاده باید جاهد و ساعی [باشند] در نصرت دین و خائف و هارب از قعود بتخلف از مجاهدین باشند و انما یخشی الله من عباده العلماء عذری نخواهند داشت و از ایشان خطاب انفروا ثم انفروا اخفافا و ثقالا و جاهدوا فی سبیل الله ذالکم خیر لکم ان کنتم تعلمون جوابی جز ذر نمانکن مع القاعدین نخواهند

شود والسلام علی تابع الهدی در ضمن .... اراک - ابراهیم دهگان